



کاوشی نو در مجازات اعدام

پدیدآورنده (ها) : طارمی، محمد حسین

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه معرفت :: مهر ۱۳۸۶ - شماره ۱۱۸ (علمی-ترویجی/ISC)

صفحات : از ۱۳۹ تا ۱۵۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/269614>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۴/۱۸

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- حوزه فقه جزا: نگرشی به مجازات اعدام در اسلام
- کارکرد بازدارندگی مجازات اعدام
- جایگاه مجازات اعدام در حقوق بشر اسلام و غرب
- اعدام در نظام های کیفری
- کنکاشی در تأثیر ارباب مجازات اعدام
- سیاست کیفری ایران نسبت به جرائم اقتصادی
- «حق حیات» در ادیان توحیدی
- نقدی بر قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در زمینه تداخل قصاص
- تأثیر نظام حقوق بشر بر اساسنامه دادگاه های کیفری بین المللی در زمینه مجازات اعدام
- تقلیل گرایی نسبت به مجازات های سالب حیات در حقوق کیفری ایران
- پارادایم های عدالت کیفری: عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی
- جایگاه روش های نوین کیفر سالب حیات در نظام کیفری ایران

عناوین مشابه

- نقدی فقهی بر تعیین مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر
- مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر در نظام حقوقی ایران بر اساس موازین حقوق بین الملل بشر؛ حذف یا ابقاء
- مبارزه با تروریسم و تعارض آن با حقوق اتحادیه اروپا؛ مجوز حذف فیزیکی در مبارزه با تروریسم و تعارض آن با ارزش اروپایی منع مجازات اعدام
- بررسی فقهی و حقوقی مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر
- بررسی و نقد مجازات اعدام در جرائم تعزیری اصحاب کبائر
- کاوشی فقهی در دیه ایراد جرح بر نرهمی گوش با رویکردی انتقادی به قانون مجازات اسلامی
- بررسی طرح تخفیف مجازات اعدام؛ در جرایم مواد مخدر
- ارزیابی سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در پیشگیری کیفری از جرایم مواد مخدر با تأکید بر مجازات اعدام
- بررسی تغییرات مجازات اعدام در قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر مصوب ۱۳۸۹
- ارزیابی انتقادی مستندات حکم اعدام در زنا با همسر پدر (بند ب ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)

کاوشی نو در مجازات اعدام

محمّدحسین طارمی

(دانش‌آموخته حوزه علمیه و کارشناس حقوق)

چکیده

مجازات اعدام به عنوان سنگین‌ترین مجازاتی که در حوزه کیفرشناسی مطرح است، چند سالی است که از سوی برخی محافل مورد انتقادات شدید قرار گرفته و بعضی کشورها به تبع دانشمندان، رویکردهای متفاوتی به آن داشته‌اند؛ برخی به حذف مطلق یا نسبی آن اقدام کرده‌اند تا به جرگه مخالفان اعدام درآیند و برخی با ابقای این مجازات، آن را مؤثر و بلکه پرثمر می‌دانند.

این مقاله پس از بررسی فلسفه مجازات‌ها و تقسیم‌بندی این مجازات به اعدام «قصاصی»، «تعزیری» و «حدّی»، به بررسی و پاسخ به مهم‌ترین اشکالات مخالفان آن پرداخته است. این اشکالات عبارتند از: مغایرت اعدام با احساس بشردوستی؛ غیربازدارنده و غیراربابی بودن اعدام؛ ایجاد حس انتقام و ترویج آن در جامعه و فرد؛ خطاپذیری محاکمات جنایی؛ و عادلانه نبودن اعدام.

کلیدواژه‌ها: مجازات، اعدام، اعدام قصاصی، اعدام تعزیری، اعدام حدّی، بازدارندگی.

مقدمه

آن را به صورت محدود به موارد و شرایط خاص قبول کردند.^(۴) البته گرایش افراطی به مجازات اعدام نیز مذموم است، ولی آیا می‌توان این مجازات را به طور کلی غیر کارآمد و غیر انسانی دانست؟

بسیاری از علمای اخلاق در مغرب زمین، درباره این مجازات اختلافات عمیقی دارند؛ چنان‌که - برای نمونه - در کتاب مباحث جاری اخلاق کاربردی، نوشته کوهن (Andrewi cohen) و ولمن (wellman) به اختلاف بویمن و تاتانسون در این زمینه اشاره شده است.

از لحاظ عملی نیز بین کشورهای جهان، رویکردهای متفاوتی ملاحظه می‌گردد. برخی کشورهای جهان همچون اعضای اتحادیه اروپا به محدود کردن این مجازات پرداخته‌اند. برخی دیگر آن را بکلی لغو کرده‌اند - همچون کشورهای اسکانندیناوی و اتریش - و برخی دیگر نیز همچنان بر پرفایده بودن مجازات اعدام تأکید داشته، بر عقیده خود پا برجا هستند.^(۵)

اما آنچه بر استحکام و بقای این مجازات در طول سالیان دراز با وجود مخالفت‌های بسیار افزوده و پشتوانه محکم آن بوده، از یک‌سو، نتایج علمی و تجربی و از سوی دیگر، آموزه‌های مذهبی، به ویژه در کتب آسمانی تورات و انجیل و قرآن درباره برخی جرایم بوده است. اخلاق مذهبی نیز با تأثیر از این آموزه‌ها، عقوبت مرگ را برای برخی جرایم اخلاقی لازم دانسته و بر آن تأکید کرده و پاسخ‌های قاطعی نیز در برابر مخالفان ارائه داده است.

اعدام در حقوق اسلامی

از نظر حقوق کیفری اسلام، اعدام بر سه قسم است:

۱. اعدام قصاصی: این اعدام در قبال قتل عمد اجرا می‌شود

مجازات اعدام از جمله مجازات‌هایی است که در سال‌های اخیر، با چالش‌هایی در حوزه نظر و عمل مواجه بوده است. به لحاظ نظری، دانشمندانی همچون بکاریا در رساله جرایم و مجازات‌ها^(۱) و پیروانش این مجازات را خلاف نظریه «قرارداد اجتماعی» می‌دانند، هرچند دانشمندان بزرگ دیگری همچون بتام، روسو و منتسکیو با وی هم‌عقیده نیستند^(۲) و پاسخ‌های محکمی در مقابل آن دارند. این بحث به قدری جدی است که در سطح سازمان‌های بین‌المللی و مهم‌ترین آن، یعنی سازمان ملل نیز مطرح شده. در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹، مجمع عمومی سازمان ملل در چهاردهمین دوره کاری خود، به موجب تصمیم ۱۳۹۶ به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان مأموریت داد تا درباره اعدام و قوانین مربوط و طرز عمل آن مطالعه کند و نتایج و آثار ابقا و الغای مجازات اعدام را در زمینه جرم‌شناسی بررسی نماید. مارک آنسل، مستشار دیوان کشور فرانسه و مدیر بخش حقوق تطبیقی پاریس، گزارشی را درباره مجازات اعدام مطرح کرد که بعدها در سال ۱۹۶۲ منتشر شد. وی با ارائه ارقام و آمار، نتیجه گرفت: تمایل جامعه جهانی به سمت الغای مجازات اعدام و جایگزین ساختن آن به وسیله زندان و اقدامات تأمینی و تربیتی است.^(۳) البته واژه «جامعه جهانی» تا چه حد شامل کشورهای اسلامی می‌شود، معلوم نیست؛ چراکه حقوق اسلامی و کشورهای اسلامی بر این مجازات تأکید دارند.

نگرش آنسل و دیگر مخالفان اعدام بر «میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی»، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ تأثیر گذاشت و به تأیید نگرش لغو اعدام منجر شد و در نتیجه، کشورهای بسیاری که این مجازات را لغو نکرده‌اند،

قانون‌گذاری منحصر به خداوند متعال است و این متفاوت با مکاتب حقوق غربی است که انسان را قانونگذار مطلق قرار داده‌اند. بر اساس مبانی ایدئولوژیک اسلامی، قانون خدا از روی علم و اطلاع کامل و جامعی است که از انسان و محیط پیرامون وی دارد. از این رو، به گونه‌ای وضع شده است که تا ابد نیاز به تغییر نداشته باشد. از این روست که انسان جز در شرایط و ضوابط پیچیده و دانستن حکمت قطعی وضع قانون خدا، حق تغییر در قانون خدا را ندارد. اما قوانین موضوعه بشری به دلیل اطلاعات ناقص، که ناشی از ادراک ناقص بشر از جوانب پیچیده زندگی انسانی است - همچنان‌که دانشمندان نیز اعتراف کرده‌اند انسان موجودی ناشناخته است - با گذشت زمان و ادراکات جدیدی که بشر از جهان پیرامون خود پیدا می‌کند، تغییر می‌نماید. به همین دلیل، روزی به صورت افراطی به وضع مجازات اعدام حتی برای جرایمی مثل سقط جنین می‌پردازد - به همین جرم، زنی را در «شربورک» فرانسه اعدام کردند - (۱۰) و روزی دیگر به حذف کامل اعدام از جرگه مجازات‌ها دست می‌زند و خطرناک‌ترین جانپان را به حال خود وامی‌گذارد؛ از کسانی که بارها مرتکب قتل عمد به شکل‌های فجیعی شده‌اند، با مجازات حبس ابد پذیرایی می‌کنند. (۱۱)

توجه به عدالت و استحقاق مجرم، یکی از فلسفه‌های مجازات در اسلام است. حرمت‌شکنی، کسب منافع نامشروع و از بین بردن احساس امنیت و آسایش در جامعه، ظلم بزرگی است که مجرم در نتیجه ارتکاب جرم انجام می‌دهد. از این رو، نظام کیفری اسلام به منظور برقراری عدالت و ظلم‌ستیزی، به مقابله با مجرم می‌پردازد تا وضعیت پیش از وقوع جرم بار دیگر برقرار گردد.

و دارای شرایط خاصی است. حضور شاکی خصوصی در آن به قدری پررنگ است که آن را از قلمرو قواعد آمره خارج می‌کند و اجازه ولی فقیه و دیگر عوامل در آن مؤثر است.

۲. اعدام حدّی: با توجه به تعاریف فقها از «حدّ»، (۶) اعدام حدّی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «مجازات مرگی است که از طرف شارع مقدّس معین شده و نمی‌توان آن را به کمتر از مرگ تقلیل داد.» اعدام حدّی بر طبق یک تقسیم‌بندی، (۷) دارای انواع ذیل است:

الف. جرایم جنسی: شامل زنا (زنای محصنه یا با محارم یا به عنف و یا غیرمسلمان با زن مسلمان) و لواط؛
ب. جرایم علیه دین و امنیت اجتماعی: شامل محاربه و ارتداد؛

ج. جرایم تکرار جرم: همچون تکرار سه بار زنا که برای بار چهارم، حدّ اعدام جاری می‌شود. (۸)

۳. اعدام تعزیری: مجازات مرگی است که از سوی حاکم معین می‌شود. عموم فقهای شیعه اعتقاد دارند که اصل در تعزیرات، مادون حد است، ولی برای عدول از این اصل و اجرای مجازات بالاتر از حد، می‌توان به یکی از سه علت ذیل استناد کرد و اعدام تعزیری را جایز شمرد. این علل عبارتند از:

۱. مصلحت فرد و جامعه؛

۲. افساد فی الارض؛

۳. نهی از منکر.

در میان فقهای اهل سنت نیز اختلاف هست، اما در برخی موارد، اعدام تعزیری را پذیرفته‌اند. (۹)

در خصوص اعدام، به ویژه اعدام قصاصی و حدّی، مبانی حقوق کیفری اسلام با مبانی حقوق غربی از لحاظ ماهیت، متفاوت است؛ چراکه در این نوع اعدام‌ها،

در مرحله قانون‌گذاری و در مرحله اجراست. تفاوت شرایط خاص مجرمان و نیز اعمال‌کنندگان مجازات و نیز خطاپذیر بودن راه‌های اثبات جرایم، مهم‌ترین علل عدم تحقق عدالت واقعی است. از یک‌سو، قرار دادن شرایط سخت در مقام اثبات جرایم نشان‌دهنده این امر است که قانونگذار اسلام خواسته است مجازات‌های شدیدی همچون اعدام به آسانی اجرا نشود.

دلایل مخالفان و موافقان مجازات اعدام

۱. مغایرت با احساس بشر دوستی

یکی از عمده‌ترین دلایل مخالفان اعدام دلیلی است اخلاقی که برخی با تکیه بر آموزه‌های اخلاقی، به کراهت و زشتی خشونت دست می‌آورند و تا رسیدن به این نتیجه بالا می‌روند که بگویند: خشونت علیه خشونت شایسته نیست. اعدام با احساس بشر دوستی و با روح تمدن امروزی، که حق حیات را برای همه انسان‌ها محترم می‌شمارد، مغایر است. نویسنده ای در مقاله خود می‌گوید: مجازات اعدام می‌کشد. کشتن بد است. بنابراین، حکم اعدام بد است. به گفته ویکتور هوگو، آیا گمان دارید درس عبرت است اعدام؟ چرا؟ به خاطر آنچه می‌آموزد، مگر چه می‌آموزد با این درس عبرت؟ این را که نباید کشت. نباید کشت و چگونه می‌آموزید؟ با کشتن؟^(۱۴) از سوی دیگر، برخی به اعلامیه حقوق بشر استناد می‌کنند و می‌گویند: بر اساس مواد ۳ و ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مجازات اعدام تجاوز به حقوق بنیادی انسان است. در اعلامیه استقلال آمریکا نیز «حق زندگی کردن» عنوان شده است. تنظیم‌کنندگان این اعلامیه معتقدند: تجویز وحشیگری (اعدام) با احکام مهم اخلاقی ناسازگار است.

شناخت میزان استحقاق مجرم از لوازم اجرای عدالت کیفری است و این امر خود به دلیل وجود علل گوناگون در وقوع جرم، امری دشوار می‌نماید و با شناخت ناقص، نمی‌توان حکمی عادلانه کرد. به همین دلیل، نظام‌های کیفری دنیا نمی‌توانند به صورت کامل و قطعی به اجرای عدالت بپردازند و به ناچار، هر از گاهی، با قوت گرفتن نظریه‌ای جدید، تغییری جدید در این نظام‌ها روی می‌دهد. نوسان شدید مجازات‌ها در طول تاریخ بشر، از سخت‌ترین مجازات‌ها تا غیرمسئول دانستن انسان و بی‌رحمی و توخس تلقی کردن مجازات وی به همین دلیل است.

عدالت موردنظر در قوانین کیفری اسلام، به دلیل ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با اراده تشریمی خداوند حکیم، عدالتی واقعی و به دور از هرگونه افراط و تفریط و نشأت گرفته از عدالت مطلقه خداوند متعال است.^(۱۲)

ویژگی دیگر نظام کیفری اسلام که موجب می‌شود این نظام از دیدگاه سزادهی صرف فاصله بگیرد، انعطاف‌پذیر بودن این نظام است؛ چراکه در جرایمی همچون حق‌الناس به صورت مطلق و در جرایم حق‌اللهی پیش از شهادت شهود یا اقرار، توبه مجرم نقش بسزایی دارد؛ همچنان‌که در مجازات‌های تعزیری نیز توبه و عفو تأثیرگذارند. تأثیرگذار بودن توبه و عفو در مجازات‌کاری خاصی در بازدارندگی و تأثیرگذاری بر مجازات دارد؛ زیرا مجرمی که واقعاً از جرم خود پشیمان شده، در صدد جبران برمی‌آید، بعید است بار دیگر مرتکب جرم شود و این ویژگی است که این نظام را به نظریه «عدالت ترمیمی» نزدیک می‌کند.^(۱۳)

نکته دیگری که قابل توجه است متفاوت بودن عدالت

قتل مجاز شمرده شده است. در جنگ‌ها نیز هیچ کشوری در مقام دفاع از خود در کشتن نیروهای کشور متجاوز، تردید نمی‌کند. آنچه سبب می‌شود دشمن و مهاجم حق حیات نداشته باشد و قتل او جایز شمرده شود، حق حیاتی است که مدافع دارد. مهاجم تا وقتی حق حیات دارد که حق حیات دیگران را در معرض نابودی قرار ندهد. مشروعیت سلب حیات مهاجم از آنجا ناشی می‌شود که عقل و اخلاق دفاع از خود را جایز می‌شمارند و حفظ حیات را واجب می‌دانند.

نکته دیگر اینکه به گفته دکتر اردبیلی،^(۱۶) شرف و مقام انسانی هر فرد وقتی محترم است که از جایگاه انسانی خود تنزل نکند. کسی که به جان و آزادی دیگری واقعی نهد و حق حیات وی را سلب کند خود نیز شایسته دوست داشتن نیست. چگونه برخی ادعا می‌کنند که اعدام قبیح خون‌ریزی را در اذهان مردم زایل می‌کند، در حالی که امروزه به تصویر کشیدن صحنه‌های قتل و کشتار وحشیانه و ناجوان‌مردانه از طریق رسانه‌های جمعی، همچون سینما و تلویزیون، طبیعی و از سوی این رسانه‌ها بی‌اشکال دانسته می‌شود.

پایگاه اینترنتی فارسیک، آمار عجیبی منتشر کرده است. طبق این آمار، هر دانش‌آموز آمریکایی پیش از رسیدن به سن جوانی، قریب هشت هزار قتل و نود هزار عمل خشونت‌آمیز از طریق سینما و تلویزیون مشاهده می‌کند.^(۱۷) سؤالی که در اینجا مطرح است اینکه آیا مشاهده این صحنه‌ها در ارتکاب جرایم تأثیرگذار نیست؟ آیا مشاهده این صحنه‌ها موجب زایل کردن قبیح خون‌ریزی در جامعه نمی‌شود؟

در جوامع امروزی، رسانه‌ها با به تصویر کشیدن ارتکاب جرایم و اعمال خشونت‌آمیز در برنامه‌های

بکاریا در فصل شانزدهم کتاب خود، می‌نویسد:

این حقی که افراد آن سر همنوع خود را می‌برند از کجا برمی‌خیزد؟ مسلماً این حق مبنای حاکمیت و قوانین نیست. قوانین همان مجموعه اجزای آزادی، یعنی کوچک‌ترین جزء آزادی است که هر کس توانسته است به جامعه واگذارد. قانون نماینده‌ی اواده‌هاته است که آن خود نیز از مجموع اواده‌های افراد پدید آمده. از این رو، باید پرسید: چه کسی به افراد دیگر حق داده است که حیات او را از وی باز گیرند؟ چگونه کوچک‌ترین جزء آزادی هر کس می‌تواند شامل حق حیات - یعنی بزرگ‌ترین مواهب - شود و اگر این راست باشد چگونه می‌توان آن را با اصلی دیگر هماهنگ کرد که می‌گوید: بشر حق خودکشی ندارد، و حال آنکه اگر بتواند معنی این حق به جامعه باشد باید خود فاسد آن نباشد. از این رو، هیچ حقی مجازات مرگ را تجویز نمی‌کند.^(۱۵)

پاسخ: یکی از اشکالات این دلیل محل تردید بودن کبرای استدلال به طور مطلق و کلی است (کشتن بد است)؛ چراکه کشتن و به تعبیر مخالفان خشونت و وحشیگری باید معنا شود. باید دید آیا همه انواع کشتن و خشونت بد است؟ آیا کسی هم که برای دفاع از خود، اقدام به کشتن مهاجم می‌کند، کار بدی می‌کند؟ آیا در جنگ با دشمن هم می‌توان به زشت بودن کشتن حکم کرد؟ آیا می‌توان با استناد به حق حیات، با هر نوع سلب حیاتی مخالفت کرد؟ آنچه به یقین می‌توان گفت این است که همه انواع کشتن بد نیست و مخالفان اعدام هم با این سخن همراه نخواهند بود. از این رو، برخی از انواع کشتن مجاز و بلکه موافق عدالت است. کسی که در معرض تهدید جدی قرار گرفته است و راهی جز کشتن تهدیدکننده ندارد، کار ناصوابی نمی‌کند. به همین دلیل، در قوانین اغلب کشورها، این نوع

است، ولی این دو حق محدودند به حق حیات سایرین و رعایت آزادی آنان و چنانچه از حد تجاوز نمایند از وی سلب می‌شوند و متجاوز باید به کیفر خود برسد.^(۲۰)

مشروعیت مجازات اعدام توسط مکتب «عدالت مطلق» ایمانوئل کانت و ژوزف دومستر نیز در قرن نوزدهم، به هدف تقاص و پاداش عمل، توجیه و تأیید شده است. بنتام از طرفداران آن به شمار می‌رود. وی هدف از مجازات را - در واقع - تنبیه اخلاقی دانسته و معتقد است: مجازات مکافات عمل خطایی است که بزهکار نسبت به جامعه مرتکب شده و از این‌رو، او باید کیفر عمل خود را ببیند. موافقان جامعه انسانی را نیز دارای این حق می‌دانند و اصل دفاع از خود و وجوب حفظ حیات را در این حیطه مفید می‌شمرند.

در فرهنگ اسلامی نیز این استدلال مورد اقبال است. علامه طباطبائی در تفسیر المیزان در ذیل آیه ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ﴾ (بقره: ۱۷۹) به طرح شبهات پیرامون قصاص پرداخته است. ایشان ابتدا به آیه ۳۲ سوره مائده ﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾ استناد کرده، در توضیح آن می‌نویسد: گرچه قوانین میان انسان‌ها اعتباری و با رعایت مصالح جامعه است، اما علت اصلی بنا نهادن آنها میل طبیعت انسانی به تکمیل نواقص و رفع حوائج تکوینی‌اش است و این واقعیت عارض بر طبیعت انسانی است، نه جامعه انسانی یا افراد انسان. این طبیعت انسانی است که خویش را به ابزاری مجهز می‌کند تا خویش را از عدم برهاند؛ زیرا فطرت انسان بر عشق به بودن بنا نهاده شده است. از این‌رو، از هر وسیله‌ای، حتی قتل و اعدام، برای طرد هر چیزی که موجب سلب زندگی‌اش می‌شود، مدد می‌گیرد. از این‌رو،

سینمایی و داستانی، با مهیج کردن آنها، به جذب مخاطبان بیشتر می‌پردازند، غافل از اینکه به آموزش غیرمستقیم اعمال مجرمانه و خلاف اخلاق نیز می‌پردازند و به سیر صعودی جرم در جامعه دامن می‌زنند. در تأیید این مطلب، می‌توان نگاهی گذرا داشت به حوادثی که در نتیجه متأثر شدن از سینما و تلویزیون ایجاد می‌شود. برای نمونه، می‌توان به حادثه اخیر کشتار دانشجویان در دانشگاه ویرجینیای آمریکا اشاره داشت که به کشته شدن قریب ۳۲ دانشجو و استاد و زخمی شدن ۳۴ نفر توسط یکی از دانشجویان انجامید.^(۱۸) این‌گونه حوادث در جهان بارها اتفاق افتاده‌اند، اما تلفات این حادثه بی‌سابقه بود. بارها مجرمان و بخصوص دانش‌آموزان متأثر از فیلم‌های خشونت‌آمیز اقدام به قتل و دیگر جرایم کرده‌اند. در جرایم ایران مشاهده می‌کنیم که چگونه برخی افراد تحت تأثیر بعضی فیلم‌ها، اقدام به اعمال مجرمانه می‌کنند. چندی پیش یک زن پس از دستگیری به جرم سرقت، در اعترافات خود گفت: آن جرایم را تحت تأثیر ناتاشا، یکی از بازیگران مجموعه تلویزیونی «خواب و بیداری» انجام داده است.^(۱۹)

در رد استدلال مخالفان اعدام نیز برخی به اصل مهم اخلاقی «وجوب حفظ حیات و دفاع از خود» تمسک جسته‌اند. سن توماس، استاد الهیات، معتقد است: اگر جامعه برای زندگی نوع بشر ضرورت باشد باید از تمام حقوق لازم برای حفظ و صیانت آن از گزند اشخاص برخوردار باشد. استدلال مخالفان مجازات اعدام صحیح به نظر نمی‌آید و نتیجه آن لغو تمام مجازات‌های سالب آزادی است؛ زیرا جامعه به انسان آزادی عطا نکرده، بلکه انسان ذاتاً و فطرتاً آزاد خلق شده است. البته برای انسان، حق حیات و بهره‌مندی از آزادی یک نعمت خدادادی

کردن مجرمان را می‌توان به یک حالت دفاع مشروع تشبیه نمود؛ اما این طرز استدلال نیز خالی از نقص نمی‌باشد؛ چه، حق استفاده از حالت دفاع مشروع، مستلزم وجود شرایط خاصی است که از آن جمله، اعمال دفاعی است فوری و آنی در مقابل حمله و خطری قریب‌الوقوع، و حال آنکه در مورد اجرای مجازات اعدام، خطر و حمله قریب‌الوقوع نه از برای قضات محکمه متصور است و نه از برای افراد اجتماع، و اغلب مشاهده می‌گردد که رأی نهایی محکمه درباره مجرمی مدت‌ها پس از ارتکاب جرم، که گاهی ماه‌ها طول می‌کشد و در این مدت مجرم نیز اغلب در زندان به سر می‌برده است، صادر می‌گردد. و البته در این حالت، فرض دفاع فوری و مشروع در مقابل یک حمله قریب‌الوقوع کاملاً بی‌مورد خواهد بود. (۲۲)

در پاسخ، باید گفت: این خطر آن‌قدر قریب‌الوقوع است که در جوامع متعدد انسانی، برای جلوگیری از آن تمهیدات سختی اندیشیده شده است. از این‌رو، حتی مقدمات جرایمی همچون قتل را نیز تحت تعقیب قرار می‌دهند. برای مثال، تهیه سلاح به قصد قتل و یا شروع به قتل، خود مستقلاً دارای مجازات است و این برخورد به خاطر پیش‌گیری از خطر جنایات است. البته معقول بودن دفاع در برابر خطر، از شرایط اساسی است و همه عقلاً خطر تهدیدکننده توسط بسیاری از جرایم بزرگ همچون قتل را بدیهی و روشن می‌دانند. از سوی دیگر، مجرمی که مرتکب جرم شده از مرحله تهدید گذشته است؛ چراکه کار از کار گذشته و تهدید به مرحله اجرا گذشته است. در این مرحله، این خطر شدت یافته است؛ چراکه دیده می‌شود مأموران و قضات و سایر کسانی که با مجرم

انسانی یافت نمی‌شود که فطرتش به جواز قتل مهاجمی که می‌خواهد وی را بکشد، حکم نکند. کشورهای رویگردان از مجازات قصاص، در مقام دفاع، از جنگ و کشتار روی نمی‌گردانند؛ جنگی که در آن امکاناتشان از بین می‌رود و نسل‌ها نابود می‌شوند و این ملل دایم در صدد تجهیز تسلیحات خود هستند. اینها همه به خاطر رعایت حال جامعه و حفظ حیات آن است. جامعه جز ساخته‌ای از ساخته‌های طبیعت انسانی نیست. پس چگونه طبیعت انسان به قتل یکی از آفریده‌هایش، که جامعه باشد، حکم می‌کند، ولی برای حفظ حیات خویش، به قتل حکم نمی‌کند؟ چگونه است که حکم به اعدام کسی که اراده قتل کرده، ولی هنوز مرتکب قتل نشده (حکم به کشتار دشمنی که قصد تجاوز دارد) می‌کند، ولی درباره کسی که اراده کرده و مرتکب قتل شده است (متجاوز به جان افراد جامعه) حکم به قتل نمی‌کند؟ (۲۱)

چگونه است که برخی کشورها اعدام را غیرانسانی می‌دانند، در حالی که در موارد حساس، خود جواز اعدام را صادر می‌کنند؟ بارها شاهد بوده‌ایم که به صورت قضایی و در دادگاه یا پلیس در حین تعقیب مجرم، اقدام به قتل کرده است. چگونه است در مرحله تعقیب و دستگیری مجرمان و انهدام باندهای خلاف‌کار به پلیس اجازه کشتن می‌دهند؟ مگر این موارد غیرانسانی نیستند؟ اگر هستند پس چرا این اجازه صادر می‌شود؟ آری، حقیقت این است همه جوامع برای حفظ خویش، حکم به قتل و اعدام کرده‌اند.

موریس گارسن در مقاله خود با نام «آیا با اعدام موافقت؟» در اعتراض به این پاسخ موافقان، می‌گوید:

عده‌ای را هنوز عقیده بر این است که حق اعدام

بخصوص مجرمان حرفه‌ای و خطرناک، در ارتباطند تدابیر سختی اتخاذ می‌کنند تا مبادا مجرم به آنها آسیبی برساند.

۲. غیر بازدارنده و غیر ارعابی بودن

یکی دیگر از اشکالات جنجال‌برانگیزی که درباره مجازات اعدام مطرح شده جنبه بازدارنده بودن یا نبودن اعدام است. مخالفان اعدام با تکیه بر برخی آمارهایی که دلالت دارند بر اینکه با لغو اعدام، تغییری در آمار جرایم رخ نداده، غیربازدارنده بودن آن را نتیجه گرفته‌اند. در این مسلک، حبس جایگزین اعدام می‌شود. نویسنده مقاله «مجازات اعدام در جهان» می‌نویسد:

حکم اعدام از حبس ابد بازدارنده‌تر نیست. این استدلال، بخصوص در ایالت‌های آمریکا، که دوباره مجازات اعدام را قانونی کردند، بدون اینکه از تعداد جنایات کاسته شود، قابل بررسی است. استدلال دیگر این است که جنایت‌کارانی که منتظرند به مجازات مرگ محکوم شوند، برای اجتناب از حبس ابد، به خشونت بیشتری روی می‌آورند. گزارش سال ۲۰۰۳ داف. بی. آی، نشان می‌دهد که جنوب آمریکا، که هشتاد درصد مجازات‌های اعدام را به خود اختصاص می‌دهد، بالاترین رقم جنایت را در تمام کشور داراست. بر عکس، شمال شرقی آمریکا، که یک درصد اعدام‌ها در آن انجام می‌گیرد، دارای ضعیف‌ترین رقم جنایت است. ۸۵ درصد متخصصان آکادمی «جرم‌شناسی» آمریکا جنبه بازدارنده مجازات اعدام را رد می‌کنند. در سال ۱۹۹۵ تحقیقی در میان مسئولان پلیس آمریکا نشان می‌دهد که اکثریت آنها مؤثر بودن مجازات اعدام و نقش بازدارنده آن را پاور ندارند.^(۲۳)

موریس گارسن در این باره می‌گوید:

در هر حال، در طی سال‌های اخیر، در کشور فرانسه با ازدیاد روزافزون نفوس، ملاحظه می‌گردد که میزان جنایت‌های ارتكایی تقریباً هیچ تغییری نکرده و افزایش نیافته است (البته در زمان جنگ و بحران‌های سیاسی، وضعیتی کاملاً غیرعادی حکم فرماست...) مثلاً، از سال ۱۸۲۶ تا ۱۸۳۰ تعداد مجازات‌های اعدام ۱۹۴ بوده و با آنکه جمعیت فرانسه بعد از آن به طور قابل ملاحظه‌ای فزونی یافته، در مدت تقریباً ۲۵ سال (یعنی از سال ۱۸۵۶ تا ۱۸۶۰) به طور فاحشی، تعداد مجازات‌های اعدام رو به نقصان گذاشته و از ۱۹۴ به ۹۷ رسیده است... امروزه دامنه اجرای مجازات اعدام بیش از پیش تنگ و بجز در مواردی کاملاً استثنایی و نادر، که حسن انتقام جامعه تحریک و حقیقتاً وجدان اجتماع ناراحت شده است، دیگر اجرا نمی‌گردد... ناگفته نماند که همین موضوع (حسن انتقام واقعی) نیز نمی‌تواند ارتباطی با اصل کلی «قضات» داشته و مجوزی از برای مجازات اعدام باشد... و نیز با اینکه اجرای مجازات‌های اعدام به میزان قابل ملاحظه‌ای رو به نقصان گذاشته است، باز لازم به تذکر است که در تعداد و آمار و اعمال جنایی، هیچ‌گونه تغییری بروز ننموده است و جنایات زیادتر نشده. از این امر چنین نتیجه می‌شود که خاصیت مرهوب‌کننده مجازات اعدام هرگز مدنظر افراد بزه‌کار جامعه قرار نمی‌گیرد و تنها فرد محکوم است که پس از وقوف به حتمی بودن محکومیت و اجرای مجازات و هنگامی که دیگر کاری ساخته نیست، نتیجه عمل خلاف قانون خود را در نظر آورده، پشیمان و نادم می‌گردد... و شاید ایمان به همین موضوع باشد که قانون‌گذاران بیشتر ممالک مترقی دنیا را وادار و ترغیب به از بین بردن مجازات اعدام نموده است.^(۲۴)

۲. آمارهای مذکور را نمی‌توان دلیلی بر تعمیم غیربازدارنده بودن اعدام به همه کشورهای دانست؛ زیرا غلب این آمارها مخصوص منطقه خاص با فرهنگ خاص آن منطقه بوده و به صرف اینکه در چند کشور پیشرفته صنعتی، حبس ابد در بازدارندگی با اعدام مساوی است، نمی‌توان این حکم را شامل همه کشورهای و فرهنگ‌ها دانست، به ویژه کشورهایی که آموزه‌های دینی در هدایت جامعه به سوی عدم ارتکاب جرم نقش بسزایی دارند. جوامع دینی در مقایسه با جوامع سکولار، در کنترل جرایم بسیار موفق‌تر بوده‌اند و هنوز در این جوامع، وقاحت جرایم جنایی به اندازه کشورهای سکولار از بین نرفته است. آمارهای جنایات، بخصوص از نوع وحشیانه آن، در کشورهای سکولار، به ویژه کشورهای پیشرفته، به لحاظ صنعتی بودنشان بسیار بیش از کشورهای دین‌مدار است. گواه بر این مدعا جرایم عجیبی است که همه روزه از رسانه‌های دنیا مخابره می‌شود؛ جرایمی که در کشورهای دین‌مدار نظیری برای آنها یافت نمی‌شود. این تفاوت عمیق فرهنگی خود دلیلی است استوار بر ناکارآمدی آمارهای مذکور.

۳. اینکه مجازات‌های اعدام در فرانسه افزایش نیافته دلیل بر این نیست که جرایم جنایی شدید در این کشور نیز افزایش نیافته؛ چراکه ممکن است عدم صدور حکم اعدام دلایل دیگری همچون تغییر رویکرد قضات نسبت به مجازات اعدام یا تغییر فرهنگ در کشور داشته باشد. چه بسا علت عدم رشد جرایم جنایی تأثیرپذیری مردم از خاصیت ارعابی و بازدارندگی مجازات اعدام بوده باشد که هنوز حتی پس از لغو این مجازات هم در اعماق جان آنها باقی بوده، جرئت اقدام به این‌گونه جرایم را نداده است.

۴. اتخاذ تدابیر پیچیده در مخفی کردن قتل ارتكابی

آقای منوچهر خزائی در مقاله «مجازات اعدام بر اساس کنفرانس بین‌المللی سیراکیز (ایتالیا)» به نقل از برخی مخالفان اعدام چنین نقل می‌کند:

به عقیده پروفیسور لثوته، موتنن با این فرمول (ارعاب‌آور بودن مجازات اعدام سبب ضرورت وجود آن است)، اصل اثربخشی اعدام را بیان می‌کند، در حالی که آمارهای به دست آمده و بررسی‌های روان‌شناسی این فرمول را به طور مطلق موجه نمی‌کند. بسیاری از کشورهای مجازات اعدام را لغو کرده‌اند، به ویژه کشورهای اسکانندیناوی و اتریش و بعضی از کشورهای آمریکای لاتین، نوشته‌اند که هیچ مسلم نیست مجازات اعدام نتیجه تهدیدکننده‌ای داشته باشد. حتی بعضی از کشورهایی که مجازات اعدام را هنوز قانونی می‌شناسند در مورد جنبه توساننده آن تردید دارند. از آن جمله، کشورهای اسپانیا، یونان، ترکیه و بخصوص انگلستان و تا حدی ژاپن را می‌توان به عنوان مثال نام برد. به عقیده مخالفان، مجازات اعدام از روزی که علنی بودن این مجازات در کشورها لغو شده، اعتبار ارعاب و عبرت جمعی را نیز از دست داده است. (۲۵)

در پاسخ به این ادعا، نکاتی قابل توجه است:

۱. آمارهای مذکور قطعی نبوده و بر اساس این آمار، نمی‌توان به طور مطلق غیر بازدارنده بودن اعدام را نتیجه گرفت. نهایت چیزی که این‌گونه آمارها می‌رسانند این است میزان بازدارندگی اعدام با حبس ابد یکسان است که این نیز از سوی برخی نویسندگان مورد تردید قرار گرفته است. البته در برخی شرایط و برخی جرایم، ممکن است با لغو اعدام، نتیجه بهتری گرفت.

دارد؛ چراکه در این مجازات، علاوه بر محکوم، خانواده او نیز آسیب‌های بسیار می‌بیند، به گونه‌ای که گاهی این آسیب‌ها کمتر از آسیب خود جرم نیست.^(۲۷) این‌گونه برخوردهای یک مقام بلندپایه قضائی خود دلیل دیگری بر ناکارآمدی زندان است.

آقای خزائی در مقاله خود در این باره می‌نویسد:

اینکه ادعا شده است حبس ابد جانشین اعدام شود، باید گفت که حبس ابد امکان دارد در پیش‌گیری فردی مؤثر باشد، ولی در پیش‌گیری عمومی و عبرت دیگران، تأثیری نخواهد داشت. به علاوه، از لحاظ روان‌شناسی اجتماعی، رعب و وحشتی که مجازات اعدام در انسان ایجاد می‌کند، مجازات سالب آزادی چنین تأثیری به جا نمی‌گذارد. سرجنت بالانتین، وکیل مدافع برجسته امور کیفری، در اواخر قرن نوزدهم، یعنی زمانی که هنوز زندان‌ها به مرحله‌ای نرسیده بود که اثر ندامت‌انگیز خود را از دست بدهد، عقیده داشت: «زندان برای مجرم خطرناک، هرچند طولانی باشد، برای جلوگیری از جرم کافی نیست، چه رسد به اینکه در قبال مجازات بزه قتل باشد؛ به هیچ وجه، جای اعدام را نخواهد گرفت. تردید ندارم که حتی یک مورد هم پیش نخواهد آمد که یک محکوم به مرگ با شادی تمام، حاضر نباشد مجازات خود را با هر نوع کیفر دیگری که در قانون وجود دارد، تعویض کند.» به عقیده بعضی از کیفرشناسان، مجازات اعدام به علت ترسی که در روحیه افراد ایجاد می‌کند، تأثیر روانی عمیقی در جامعه دارد که حتی اگر هم اجرا نشود تضمینی برای آرامش افکار عمومی خواهد بود و از این نقطه نظر، اهمیت

توسط قاتل به چه معناست؟ آیا جز این است که قاتل از دستگیر شدن و رسوا شدن و در نهایت، مجازات مرگی که در انتظار او خواهد بود می‌هراسد؟ هر روزه قتل‌ها پیچیده‌تر می‌گردند و قاتلان در تلاشند که جنایات خود را حساب شده‌تر انجام دهند. اینها همه نشان از ترس متخلفان و به ویژه قاتلان حرفه‌ای از مجازات، بخصوص مجازات اعدام، دارند.

چگونه می‌توان پذیرفت که قاتلی را که از کشتن هموعان خود لذت می‌برد، با این احتمال ضعیف که «شاید بتوان او را اصلاح کرد» از اعدام رهانید؟ سؤالی که مطرح است این است که در کجای دنیا، این‌گونه مجرمین حرفه‌ای را اصلاح کرده‌اند؟ کدامین تدابیر تأمینی موجب اصلاح چنین مجرمانی شده است؟ مگر نه این است که در بیشتر موارد، مجازات جایگزین اعدام «زندان» بوده است؟ مگر نه این است که بسیاری از کشورها از این مجازات دست‌کم در مورد محکومان جنایات عمدی نتیجه‌ای نگرفته‌اند؟ زندان‌های کنونی در بسیاری از موارد، نتیجه‌ای جز جبری‌تر شدن و حرفه‌ای شدن مرتکبان جرایم عمدی دربر نداشته‌اند. در این اوضاع، جایگزین مناسبی برای اعدام یافت نمی‌شود.

امروزه شاهدیم که در بسیاری از کشورها، به دنبال جایگزینی برای زندان می‌گردند. در این شرایط، چگونه زندان می‌خواهد خود جایگزین اعدام گردد؟ نباید اشتباه را دوباره تکرار کرد. در سال‌های اخیر نیز شاهد بودیم که رئیس قوه قضائیه کشورمان به قضات دادگاه‌ها ابلاغ کرده است که حتی‌المقدور از حکم به حبس خودداری کنند.^(۲۶) ایشان در همایش دادستان‌های کشورهای اسلامی در تهران، زندان را از جمله مجازات‌هایی دانست که در اسلام بسیار محدود بوده و عوارض منفی بسیاری

فوق‌العاده در سیاست کیفری خواهد داشت.

کشورهایی که مجازات اعدام را در قوانین خود لغو کرده‌اند، حسب تجربیات، به علت افزایش جرایم بزرگ، ناگزیر به برقراری مجدد آن بوده‌اند. مجازات اعدام در اتحاد جماهیر شوروی، که در سال ۱۹۴۷ لغو شده بود، دوباره در سال‌های ۱۹۴۹ و ۱۹۵۴ نسبت به بعضی از جرایم برقرار می‌گردد. در کشور رومانی، مجازات اعدام در ۱۸۶۴ لغو می‌شود و در ۱۹۳۸ از نو مورد تصویب قانونگذار قرار می‌گیرد. زلاند جدید در ۱۹۴۱ این مجازات را از قوانین خود حذف می‌کند، ولی در سال ۱۹۵۰ ناگزیر به برقراری مجدد آن می‌گردد. سرانجام، به موجب آمار موجود، تعداد زیادی از کشورهای جهان در قوانین خود، نسبت به این مجازات بزرگ، اعم از لغو یا برقراری مجدد آن، تجدیدنظر کرده‌اند. (۲۸)

۵. بعضی دیگر در مقام پاسخ به مخالفان، چنین گفته‌اند: اصلاحگرانی که با قاطعیت اظهار می‌دارند منظره چوبه دار یا صندلی الکتریکی یا گیوتین به هیچ وجه در دیدگاه کسانی که مصمم به ارتکاب جنایت هستند تجلی ندارد، در واقع، مدعی هستند که از دورن و مافی‌الضمیر هر قاتلی آگاهی کامل دارند. در اینکه مجازات اعدام همیشه یکی از عوامل بازدارنده از ارتکاب جرم بوده، شکی نیست. اگر ترسی را که مأمور اجرای مجازات اعدام شخصاً از مجازات مرگ دارد، همه داشتند و دقیقاً در ذهن همه برقرار بود، احتمالاً هیچ قتلی واقع نمی‌شد. البته با قبول این فرض، می‌بایستی بر اثر ترس از یک مرگ نابهنگام، بسیاری از مشاغلی که بی‌شک قانونی و درست هستند، داوطلبی نیابد؛ زیرا با این وصف، هیچ کس نباید

به ارتش یا نیروی پلیس یا آتش‌نشانی بپیوندد. همین طور می‌بایستی ناگهان مسابقات اتومبیل‌رانی قطع شود، کسی کوه‌نوردی، نمایش هوایی، چتربازی، شکار یا پرش نکند و یا در ساختمان پل‌ها یا سایر مشاغلی که احتمال خطر دارند، شرکت ننماید. به هر حال، هرچند شمار افرادی که به این اقدامات مخاطره‌آمیز، خواه به خاطر تأمین معاش یا جرئت و جسارت یا غرور و افتخار یا ایمان و اعتقاد رغبت نشان می‌دهند رو به افزایش است، با وجود این، مسلماً افراد بسیاری هستند که از شرکت در این نوع فعالیت‌ها پرهیز می‌کنند، به لحاظ آنکه تحمل این خطرات با مذاق آنها سازگار نیست. کمیسونی که در سال ۱۹۵۳ در انگلستان تشکیل گردید تا دربارهٔ میزان تأثیر مجازات اعدام در جلوگیری از وقوع جرم تحقیق نماید، گزارش داد: «ما می‌توانیم موارد بی‌اثر بودن آن را تعیین کنیم، ولی نمی‌توانیم مواردی را که مؤثر بوده‌اند شمارش نماییم.» در مباحثات بعدی، که در مجلس انگلستان در این خصوص انجام گرفت، یکی از نمایندگان اعتراف کرد که زمانی نقشهٔ قتلی را در سر می‌پرورانیده، اما شبح مجازات مرگ وی را از آن کار بازداشته است. هیچ آماری در دست نیست و نیز هیچ‌گونه سابقه‌ای در دست نداریم تا به کمک آن بتوانیم مشخص کنیم روزانه چه تعداد میل به قتل در نظر می‌آید، ولی عملاً به خاطر ترس از مجازات مرگ، محقق نمی‌شوند. همچنین آماری نداریم که چه تعداد زن یا شوهر آرزوی کشتن همسر خود را دارند، یا چه تعدادند پیشه‌ورانی که برای رهایی از رقابت همکار یا شریک خود، تنها وسیله را کشتن او می‌دانند، یا اشخاصی که از همسایهٔ خود نفرت دارند و آرزو می‌کنند جسد او را ببینند یا خود، او را به این روز بیندازند و فقط به خاطر ترس از اعدام از فکر خویش منصرف می‌شوند. همچنین

۳. ایجاد حس انتقام و ترویج آن در جامعه و فرد یکی دیگر از اشکالاتی که بر مجازات اعدام گرفته می‌شود ایجاد حس انتقام و ترویج آن در جامعه و فرد است.^(۳۰) مخالفان اعدام این ویژگی را از لحاظ اخلاقی مورد مذمت قرار می‌دهند. در این زمینه، ابتکار اسلام بسیار سنجیده به نظر می‌رسد؛ چراکه با دقت در اعدام‌هایی که در برابر جرایمی همچون قتل عمد، سرقت برای بار چهارم و مانند آن صورت می‌گیرند، می‌توان حضور عنصر شاکی خصوصی را پررنگ دید و این حضور، خود مزایایی دارد؛ از جمله اینکه:

- در وجود شاکی خصوصی، حس انتقام می‌جوشد و وی را متقاضی مجازات مجرم می‌کند. از این‌رو، توجه قانونگذار اسلامی به حس انتقام وی و نقش دادن به شاکی، از خودسرانه عمل کردن شاکی خصوصی جلوگیری می‌کند و در نتیجه، از ناهنجاری و نابسامانی ناشی از خودسرانه عمل کردن بزه‌دیده‌گان در اطفای آتش خشم خویش، جلوگیری می‌نماید و از این‌رو، چون بزه‌دیده مشاهده می‌کند که در روند مجازات، نقش اساسی دارد، به دستگاه قضایی مراجعه کرده خودسرانه عمل نمی‌کند. اگر با اجرای اعدام قصاص، حس انتقام و کینه بزه‌دیدگان از بین نرود منشأ ایجاد خطری دیگر، که جامعه را تهدید می‌کند، خواهد شد؛ چراکه افراد بسیاری بوده‌اند که برای از بین بردن این حس، اقدام به جرایم بزرگی در جبران کمبود خویش کرده‌اند، به ویژه در میان خانواده‌هایی که احساس عاطفی شدیدی بین اعضای آنها وجود دارد. چه بسیار رخ داده است پدر یا پسر برای انتقام از قاتل، به علت عدم اجرای صحیح عدالت و تأمین نشدن نظر ولی دم، مرتکب جرم در حق قاتل یا خانواده او شده‌اند.

آماری در دست نیست که چه تعداد از سارقان حرفه‌ای با وجود سوابق متعدد، به خاطر ترس از مجازات مرگ، با خود اسلحه حمل نمی‌کنند. در تمام این موارد، که حاصل آن خودداری از ارتکاب قتل است، بازدارندگی مجازات اعدام مؤثر بوده است. با وجود این، مخالفان کوشش دارند ما قبول کنیم که در هیچ‌یک از این موارد، ترس از چوبه دار در خاطر هیچ قاتلی جلوه‌ای نداشته است. پذیرش چنین نظریه عجیب و نامأنوسی انکار عقل سلیم است به نفع اندیشه‌های تخیلی و مدعی اشراق. گفته می‌شود: با وجود آنکه در برخی مواقع، مجازات اعدام هر روزه اجرا می‌شده، اما ارتکاب جرم نیز شایع و فراوان بوده؛ از جمله با وجود مجازات سختی که نسبت به افراد قطاع الطريق اعمال می‌شده، ولی امنیت جاده‌ها تأمین نمی‌گشته است. باید توجه داشت همیشه اشخاصی که با زندگی خود قمار می‌کنند وجود داشته‌اند، ولی ما وسیله‌ای نداریم تا بدان طریق بتوانیم بین کسانی که از مجازات اعدام وحشت دارند و آنان که خوفی به خود راه نمی‌دهند تمیز قایل شویم و تعداد کسانی را که به لحاظ این وحشت از ارتکاب جرم استنکاف می‌کنند معین نماییم.^(۲۹)

۶. تمامی اقسام اعدام مذکور در تقسیم‌بندی حقوق کیفری اسلام ویژگی ارباب‌آور بودن جزئی از فلسفه وجودی‌شان است، هرچند جنبه اجرایی داشتنشان ممکن است کمتر مورد توجه باشد. در اعدام قصاصی، جنبه اجرایی علاوه بر ارباب‌آور بودن، مورد توجه است، و همین ویژگی ارباب‌آوری موجب ماندگاری این مجازات در حقوق کیفری در طول هزاران سال عمر حقوق کیفری کشورهای اسلامی شده است. این ویژگی و تأثیر عمیق آن در جامعه - چنان‌که اشاره شد - مورد تأیید برخی کیفرشناسان نیز هست.

بعضی نیز قبل از اینکه بی‌گناهی‌شان ثابت شود، کشته شدند و برای اینها، اشتباه جبران‌ناپذیر است. و این غالباً در مواردی پیش آمده که استفاده از تکنولوژی جدید، بخصوص «دی. ان. آی» صورت نگرفته است. از سال ۱۹۷۳، ۱۱۹ نفر در ۲۵ ایالت آمریکا بی‌گناه اعلام شده و دالان مرگ را ترک کردند.^(۳۲)

موریس گارسن در این زمینه می‌گوید: مجازات اعدام نوعاً دارای خاصیت و جنبه‌ای کاملاً استثنایی است که آن را از سایر مجازات‌ها مجزاً می‌کند. در حقیقت، نتیجه اجرای مجازات اعدام، به وجود آمدن وضعیتی است که امکان برگشت به حالت اولیه در آن نیست و شاید همین حالت «جبران‌ناپذیری» این مجازات است که از مهم‌ترین دلایل طرف‌داران لغای آن به شمار می‌رود. هیچ چیز وجدان اجتماع را بیش از اعدام بی‌گناهی معذب و ناراحت نمی‌کند و در این باره، تاریخ شاهد بسیاری از اشتباهات قضایی بوده که پس از اجرای حکم، نتیجه‌ای جز تأسف و تأثر، به جای نمانده است. به طور کلی، مجازات اعدام به نظر ما، «ضروری» نمی‌رسد و چون ضرورت ندارد، مشروع نیز نخواهد بود، مگر در یک مورد و آن، حالت محکوم به حبس ابدی است که در زندان مرتکب جرم دیگری شود که خود آن جرم مستوجب مجازات اعدام باشد.^(۳۳)

اشتباه قضایی دلایل گوناگونی دارد که از آن جمله، شهادت دروغ یا مستندات متقلبانه، نادرستی یا اشتباه کارشناسی، قصور یا تقصیر ضابطان قوه قضاییه و اشتباه دادرسی است که حکم اشتباه، به ویژه اگر اجرا شود، مردم را نسبت به دستگاه قضایی بدبین کرده، اجرای درست عدالت را در معرض خطر قرار می‌دهد.

- در چنین اعدام‌هایی (بخصوص از نوع قصاص) به جای بی‌توجهی به حس انتقام مجنی علیه، به هدایت این حس به سمت‌وسوی صحیح پرداخته می‌شود؛ چراکه از یک‌سو، قانون اسلام به بزه‌دیده حق انتقام می‌دهد و از سوی دیگر، وی را به عفو و گذشت و مصالحه با بزه‌کار دعوت می‌نماید. به همین دلیل، در قرآن کریم، در آیه مربوط به قصاص می‌خوانیم: «فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ» (بقره: ۱۷۹)؛ پس هر کس از برادرش (قاتل) به چیزی از حق قصاص به او گذشت شود (باید از گذشت ولی مقتول) به طور پسندیده‌ای پیروی کند و با رعایت احسان، (خون‌بها را) به او بپردازد. به همین دلیل، قاضی طبق آیین دادرسی کیفری، مکلف است ولی دم را به گذشت دعوت کند. این نحوه برخوردها، که از نوع عدالت ترمیمی هستند، موجب تخفیف آثار مخرب جرم در جامعه خواهند شد.

- علامه طباطبائی در پاسخ به این اشکال، نکته جالبی بیان می‌کند: ایشان انتقام مظلوم از ظالم را مطابق عدالت و غیر مذموم می‌داند. در واقع، قساوت و حب انتقام تنها جنبه قصاص نبوده، بلکه اجرای عدالت و جلوگیری از فساد و برقراری امنیت، خود از فواید قصاص است.^(۳۴) آری، این نکته در جای خود قابل توجه است که اهمیت ویژگی «عدالت‌محوری» قصاص بسیار پررنگ‌تر از جنبه انتقام‌جویانه آن است.

۴. خطاپذیری محاکمات جنایی

اشکال چهارم مخالفان اعدام به خطاپذیری محاکمات جنایی برمی‌گردد.

بسیاری از محکومان به مرگ بعداً بی‌گناه شناخته شدند و گاه فقط چند دقیقه قبل از اجرای حکم.

نمی‌گویند، ولی آنها فی الواقع سخن می‌گویند؛ از زندگی راحتی که داشته‌اند یا سختی‌هایی که کشیده‌اند، از زندگی پاکیزه یا کثیفی که داشته‌اند، از شادی‌هایی که به‌اندوه پایان گرفته، از غم‌ها و از ظلم‌هایی که بر آنها رفته و از هر نوع جرمی که بر آنها رخ نموده است.^(۳۴)

به واسطه وسایلی که دانش مترقی و پیشرو پزشکی فراهم آورده است، می‌توان پس از تحقیق درباره بزه، نحوه وقوع آن را تشخیص داد. در این باره، علم شیمی با تجزیه و تحلیل‌های آزمایشگاهی و حتی دانش هسته‌ای می‌تواند اطمینان دهد که متهم مقصر است یا بی‌گناه.^(۳۵) با استفاده از علوم پیشرفته‌ای همچون پزشکی قانونی، تشخیص هویت (مثل انگشت‌نگاری)، سم‌شناسی و مانند آن، دادرسی می‌تواند به نحوه وقوع جرم و هویت قاتل پی برده، از اشتباه در تصمیم‌گیری جلوگیری شود.

ج. مقررات دقیق در مورد شهود نیز امکان اشتباه قضایی را بسیار کاهش می‌دهند. هنر بازپرسی، که به وسیله متخصصان باتجربه این فن، با مهارت صورت می‌گیرد، شهادت گواهان کاذب و فاسد را بیش از پیش بی‌اثر ساخته است. افکار عمومی همراه با جرایم هوشیار هرگاه در مسیر دادرسی، مقدمه ظهور خطایی را مشاهده کنند، زنگ خطر را به صدا می‌آورند.

در سال ۱۸۱۹ شخصی به نام تام مونی در «سانفرانسیسکو» به اتهام پرتاب بمبی به میان جمعیت، که موجب هلاک ده نفر از آنان گردید، تحت تعقیب قرار گرفت و محکوم شد. گفته می‌شد: این محکومیت بر اثر شهادت‌های ساختگی بود که حتی دادستان را نیز به تردید نینداخت. اما این شخص سرانجام، بر اثر تحقیقاتی که به وسیله گرداننده روزنامه سانفرانسیسکو به عمل آمد، از چوبه دار نجات یافت.^(۳۶)

در پاسخ، می‌توان به این اشکال از چند جهت نگریست و چنین گفت:

۱. این اشکال عمومیت نداشته و شامل همه اقسام محکومیت اعدام نیست؛ چراکه برخی از احکام اعدام با اقرار ثابت می‌شود و حکمی که با اقرار محکوم ثابت شده است احتمال اشتباه ندارد. از این‌رو، در این موارد، مخالفان اعدام نمی‌توانند به این دلیل استناد کنند. قاتلی که با اقرار ناشی از عذاب وجدان به محکومیت خود تن می‌دهد بدون هیچ شک و تردیدی قابل مجازات است.

۲. موافقان اعدام در پاسخ این اشکال، به خطاپذیر بودن محاکمات جنایی در همه مواردی که با غیر اقرار ثابت می‌شوند اشاره کرده‌اند. همه عواملی که در خطاپذیر کردن حکم اعدام دخیل هستند در سایر مجازات‌ها نیز وجود دارند؛ ولی با این حال، هیچ دستگاه قضایی در سراسر دنیا به این خاطر از اجرای مجازات‌ها خودداری نکرده است. چاره‌ای که دستگاه‌های قضایی سراسر دنیا برای حل این معضل اندیشیده‌اند عبارت از:

الف. چند مرحله‌ای کردن مراحل دادرسی که در نتیجه آن، مراجع گوناگونی از دادرسان عادی تا دادرسان باتجربه و کهنه‌کار به احکام اعدام رسیدگی می‌کنند. با این کار، احتمال اشتباه دادرس به حداقل می‌رسد؛ چراکه اگر در مرحله بدوی اشتباهی صورت گیرد در مرحله تجدید نظر و بالاتر این اشتباه اصلاح می‌شود.

ب. ایجاد فناوری‌های پیشرفته جرم‌یابی؛ علاوه بر انگشت‌نگاری و سایر دانش‌هایی که قبلاً وجود داشته، پیشرفت‌هایی در پزشکی قانونی حاصل شده‌اند که احتمال وقوع اشتباه قضایی را تقریباً از بین می‌برند. به قول مولی لقبور:

کسانی هستند که اظهار می‌دارند اجساد سخن

تأسیس تونل و از این قبیل، بدان سبب که ایجاد آنها مسلماً مخاطراتی برای حیات انسان‌های دست‌اندرکار خواهند داشت، مورد اعتراض قرار نمی‌گیرند. در ۱۹۶۶ در تأسیسات ساختمانی شهر «مترآل» ۶۹ نفر و در ۱۹۶۷ تعداد ۴۵ نفر حین کار، جان خود را از دست دادند. ظرف این مدت، تعداد مجروحان سالیانه از ۶۶۲۱ نفر تا ۸۱۵۰ نفر در نوسان بود. با وجود این، در هیچ جا درخواست نشده که چون تعدادی افراد بی‌گناه در این جریان جان خود را از دست داده‌اند باید از ادامه این کار جلوگیری شده، یا ساختمانی ایجاد نشود. احکام دادگاه‌ها به منظور اجرای عدالت صادر می‌شوند تا افرادی را که مضر به حال هموعان خود هستند مجازات دهند؛ اما احتمالاً گه‌گاه دچار اشتباهاتی خواهند گشت. ولی مادام که این اشتباهات غیرمتعارف و زننده نشده‌اند، انسان باید به کارش ادامه دهد، به این امید که با کوشش خود، جلوی این‌گونه اشتباهات را نیز سد کند و آنها را به حداقل تنزل دهد. در هر مورد که اشتباه به محکومیت شخص بی‌گناهی منتهی می‌شود، هرچند بی‌گفت‌وگو غم‌انگیز است، اما در مقابل اشتباهاتی که در صورت اتخاذ روش معارض پیش می‌آید، چندان مهم نیست. نسبت به آنچه راجع به احتمال اعدام افراد بی‌گناه گفته شده، همیشه غلو به کار رفته است؛ اما در مقابل، از تبرئه‌های غلطی که در نتیجه آن قتل دیگری به وقوع پیوسته، سخنی به میان نیامده است. این یک عدالت‌خواهی دروغین و آرزوی فراهم نگشتنی است که صدها منافع واقعی جامعه را با از بین بردن شخصی که جز یک حیوان مضر نیست تأمین کنیم تا احتمالاً از مجازاتی که ممکن است بر فردی نامعین در آینده‌ای غیر معلوم تحمیل شود، جلوگیری کرده باشیم. این درست به آن می‌ماند که بگوییم: جامعه باید از منافع

در قوانین کشور ما نیز سخت‌گیری‌های شدیدی درباره شهادت دروغ اعمال شده است. (ماده ۶۵۰ قانون مدنی ایران) علاوه بر آن، شاهد دروغگو موجب صدور حکم قتل، به علت تسبیب در جنایت مجازات می‌شود. این مقررات خود سد بزرگی در اثبات محکومیت اعدام به سبب شهادت دروغ هستند، ضمن آنکه آموزه‌های اخلاقی، به ویژه در دین مبین اسلام، مسلمانان را از آلوده شدن به این گناه باز داشته، احتمال وقوع شهادت دروغ را کاهش می‌دهند. اثبات محکومیت اعدام دارای چنان حساسیتی است که دادرس را وامی‌دارد به کمک ابزارهای پیشرفته جرم‌یابی، از شهادت دروغ جلوگیری کند و شاهد صدقی برای اعتماد به شهادت شهود بیابد. از سوی دیگر، شرط عدالت برای شاهد، دادرس را وامی‌دارد پیش از اعتماد به شهادت وی، شخصیت او را مورد بررسی دقیق قرار دهد.

د. اصل بر براءت متهم گذارده شده است و این اصل اشتباه در حکم اعدام را به حداقل می‌رساند. البته احتمال بی‌گناهی همیشه باقی است؛ زیرا انسان نمی‌تواند به تمامی جوانب یک جنایت علم پیدا کند و از این رو، حکم گرچه همیشه با یک احتمال ضعیف همراه است، اما توجه به این احتمال ضعیف، تا وقتی که منشأ عقلانی نداشته باشد، عقلانی نیست.

۳. احتمال خطا بودن حکم منحصر به اعدام نیست، بلکه در همه مجازات‌ها وجود دارد و از این رو، این اشکال متوجه تمامی مجازات‌هاست. به هر حال، باید توجه داشت هیچ‌یک از اقدامات و فعالیت‌های انسان نیست که در معرض وقوع حوادث تأسف‌انگیز نباشد؛ ولی با وجود این، هیچ‌یک از این کوشش‌ها به خاطر ساختمان‌های بلند، یا برپا کردن پل‌ها، حقاری به منظور

تناسبی تقریبی است که در برخی مجازات‌ها، به آسانی قابل تصور است - همچون زندان - و در برخی دیگر دشوار است. برای این‌گونه مجازات‌ها، می‌توان میزان وخامت و کراهت جرم را با مجازات متناسب دانست؛ زیرا هر اندازه جنایت وخیم باشد مرتکب از نظر اجتماعی خطرناک و غیرقابل اصلاح‌تر است و از این‌رو، مجازات مرگ برای جرایم وخیم و مجرمان غیرقابل اصلاح متناسب است.

علاوه بر این، گرچه در جرایم غیر مهم - که در مقایسه با جرایم مهم‌تر کمتر وخیم و خطرناک هستند - تعیین مجازات متناسب دشوار می‌نماید؛ اما قدر مسلم به استناد اصل «برابری جرم و مجازات»، می‌توان در مورد جنایات و قتل‌ها، مجازاتی برابر همچون مجازات مرگ و قصاص تجویز کرد.

تذکر: در مباحث حقوق اسلامی، «عدل» از شرایط اصلی قانونگذار است و خداوند عادل چارچوب اصلی، مجازات‌ها را بر اساس عدالت و مصلحت فرد و جامعه تدوین کرده و از قانونگذار خواسته است بر اساس این چارچوب و با در نظر گرفتن عدالت و مصلحت، مجازات‌های تعزیری را معین کند. از جمله مجازات‌های مهمی که توسط خداوند در برخی موارد مورد تصریح قرار گرفته، مجازات اعدام است. قضاوت درباره اینکه چنین مجازاتی عادلانه است یا خیر، نیازمند علم به تمامی ابعاد و آثار این مجازات است. به دلیل آنکه هیچ انسانی نمی‌تواند ادعا کند به تمامی ابعاد و آثار این مجازات آگاه است، از این‌رو، نمی‌تواند قضاوت صحیحی داشته باشد. مجازاتی که خداوند با آگاهی و در نظر گرفتن همه جوانب وضع کرده است، نمی‌تواند غیر عادلانه باشد.

نیروی برق چشم ببوشد؛ زیرا ممکن است کسی را برق بگیرد، و یا وسایل حمل و نقل از آن نظر که برخی مواقع در شوارع موجب هلاک اشخاص می‌شوند باید ممنوع گردند. این مسخره است که گفته شود: هنگامی که قاتل شناخته شده‌ای آزاد می‌گردد هیچ خطری برای افراد بی‌گناهی که ناشناخته هستند و ممکن است طعمه وی قرار گیرند ایجاد نمی‌کند. (۳۷)

۴. اما درباره حالت جبران‌ناپذیری مجازات اعدام باید گفت: این اشکال در صورتی قابل توجیه است که نسبت به مجازات‌های جایگزین اعدام مطرح نباشد، در صورتی که مجازات‌های سالب آزادی نیز از این اشکال رنج می‌برند. اقامت زندانی بی‌گناهی که سالیان سال در کنج زندان، سلامتی جسمی و روحی خود را از دست می‌دهد چه بسا به هیچ وجه قابل جبران نباشد، به ویژه که تحمل فشار روانی ناشی از بی‌گناه زندانی شدن، چه بسا از مرگ نیز دشوارتر باشد.

۵. اشکال دیگری است که از سوی مخالفان مجازات اعدام مطرح می‌شود. به عقیده ایشان، این مجازات قابل توزین و کاهش و یا افزایش متناسب با تقصیر بزهکار نیست، در صورتی که برخی دیگر از مجازات‌ها همچون زندان از چنین ظرفیتی برخوردارند و می‌توان به تناسب وخامت جرم، آنها را افزایش داد.

در پاسخ به این ایراد - همچنانکه برخی نیز بدان اشاره نموده‌اند - (۳۸) اولاً، رعایت تناسب دقیق بین جرم و مجازات در هیچ‌یک از مجازات‌ها قابل اثبات نیست و عدالت انسانی نیز ادعای برقراری تناسب دقیق میان زیان و مصایب ناشی از جرم و سختی و رنج مجازات‌ها را ندارد. از این‌رو، تناسب مورد نظر در تعیین مجازات‌ها

سخن پایانی

گرچه مخالفان اعدام در برخی کشورها توفیق یافته‌اند، اما هنوز اثبات ناکارآمدی این مجازات بسیار دشوار می‌نماید و این ضرورت تحقیق بیشتر در این زمینه، به ویژه در کشور ایران و سایر دولت‌های اسلامی، را آشکار می‌سازد. نباید نسنجیده عمل کرد و کورکورانه و به تقلید از برخی کشورها به مقابله با این مجازات اقدام کرد، بلکه به دلیل آنکه اعدام در حقوق اسلامی به قصاص، حدی و تعزیری قابل تقسیم است و در اعدام‌هایی همچون قصاص، آموزه‌های اسلامی بر اجرای آن تأکید ویژه دارند، ضروری است در دو جهت تحقیق بیشتری صورت گیرد: از یک جهت باید دید که اعدام به چه میزان تأثیرگذار است؟ و از جهت دیگر، اگر به نتیجه رسیدیم که اعدام به اندازه سایر مجازات‌ها تأثیرگذار نیست، باید دید آیا می‌توان به این سبب، از اجرای اعدام‌های غیرتعزیری نیز خودداری کرد یا خیر؟ (البته به دلیل آنکه تعزیر به دست حاکم اسلامی است و طبق این نظر، که حاکم با توجه به مصلحت جامعه می‌تواند مجازات مناسب را برگزیند، از این رو، در اعدام‌های تعزیری، اگر مجازات بهتر و مؤثرتری یافت شد، حاکم می‌تواند مجازات جایگزین را انتخاب کند.) در پاسخ به این مسائل، نخست باید به این نکته توجه کرد که احکام اسلامی تابع مصالح و مفاسد واقعی هستند که اگر به این مصالح علم حاصل شود، می‌توان با در نظر گرفتن این مصالح، درباره تغییر یا عدم تغییر احکام تصمیم‌گیری کرد. در این زمینه، برخی علما احکام را به ثابت (احکامی که دارای ملاک ثابت و لا یتغیّر هستند) و متغیّر (احکامی که در آنها مصالح موجود با تغییر شرایط می‌توانند تغییر یابند) تقسیم کرده‌اند. علت این امر آن است که موضوع در چنین صورتی (صورت دوم) عوض شده است و در نتیجه،

موضوع جدید نیاز به حکم جدید دارد.

نکته دیگر اینکه در صورت تزامم بین مصلحت اجرای حدود، بخصوص اعدام حدی و مصلحت مزاحم دیگر، در صورتی که مصلحت مباین بیش از مصلحت اجرای اعدام حدی باشد اعدام حدی اجرا نخواهد شد. از سوی دیگر، اجرای حدود شرایطی دارد که فقدان یا تعدیل زمینه‌های ارتکاب جرم در جامعه را می‌توان از جمله این شرایط دانست، که روایت عدم اجرای حد در عام‌المجاعة (سال قحطی و گرسنگی) و عدم اجرای حد زنا در صورت اضطرار به ارتکاب آن، برای رفع عطش و تزویج محکوم به حد از ناحیه بیت‌المال به خوبی بر این مطلب دلالت می‌کنند. در نتیجه، اگر شرایط به گونه‌ای رقم بخورد که مصلحت اجرای هر یک از انواع اعدام با مصلحت حفظ نظام اسلامی تعارض یا تزامم پیدا کند و اصل نظام اسلامی مورد تهدید جدی واقع شود، در این صورت، بقای مصلحت این‌گونه مجازات‌ها مورد تردید و شبهه قرار خواهد گرفت و مصلحت جدیدی مغایر با مصلحت اجرای حدود جایگزین خواهد شد. یعنی قانون مجازات اسلامی تغییر خواهد کرد، نه اینکه نسخ شود. اجرای این مجازات‌ها تا زمانی که دوباره مصلحت ایجاد کند و خطر رفع شود متوقف خواهد شد. هرچند لازم به ذکر است که در شرایط کنونی با توجه به ضعف دلایل مخالفان اعدام و عدم تهدید جدی نظام اسلامی، هنوز مصلحتی قوی بر اجرای این‌گونه مجازات‌ها وجود دارد. از سوی دیگر، با توجه به حکیمانه بودن قوانین اسلام، به ویژه مجازات‌هایی همچون اعدام، بر حقوق‌دانان مسلمان متعهد لازم است که ضرورت و اهمیت اجرای قوانین اسلامی را برای جهانیان تبیین کنند، و با گسترش روابط حقوقی و قضایی بین کشورهای اسلامی، از نفوذ و سوسه‌های ضداسلامی مخالفان اسلام جلوگیری کرده، از کیان اسلام و مسلمانان دفاع کنند.

..... پی‌نوشت‌ها

- ۱- در این زمینه ر.ک. بکاریا، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، انتشارات شهید بهشتی، ۱۳۶۸/ رود، ملاحظاتی درباره مجازات اعدام، ترجمه حسینی‌نژاد، در سایت حقوق‌دانان به نشانی: www.hoghooghddanan.com.
- ۲- ر.ک. منوچهر خزائی، «مجازات اعدام بر اساس کنفرانس بین‌المللی سیراکیز (ایتالیا)»، WWW.hoghooghddanan.com.
- ۳- برای مطالعه بیشتر ر.ک. محمدابراهیم شمس ناتری، بررسی تطبیقی مجازات اعدام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸/ مارک آنسل، مجازات اعدام، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران، آگاه، ۱۳۶۵/ شمس‌الدین امیرعلائی، مجازات اعدام، تهران، دهخدا، ۱۳۵۷.
- ۴- برای مطالعه در زمینه نظرات مخالفان اعدام، ر.ک. Austin Sarat, *The killing State*, New York, Oxford, 1999
Austin Sarat, *Death Penalty*, The international Library of Criminology, Criminal Justice and Penology.
- ۵- ر.ک. منوچهر خزائی، پیشین.
- ۶- «و قال الشهيد الثاني... و شرعاً عقوبة خاصة تتعلق بايلام البدن بواسطة تلبس المكلف بمعصية خاصة عين الشارع كميتها في جميع افراده، و قال السيد: و شرعاً عقوبة خاصة تتعلق بايلام بدن المكلف بواسطة تلبس بمعصية خاصة عين الشارع كميتها في جميع افراده. انتهى. فترى انهم نصوا على ان الحد هو نفس العقوبة. و ظهر ايضاً من تقييدهم الايلام بكونه متعلقاً ببدن المكلف ان الايلامات الروحية و السب و اللعن و الحبس و التفرير و اخذ المال من احد ليس من باب الحد، و الا فقد جعل الشارع على ارتكاب بعض المعاصي الكفارة المعينة كا طعام ستين مسكيناً مثلاً. و قولهم: تتعلق بايلام البدن انهي لخروج مثل السجن و التفرير و ما اشبه ذلك مما يتعلق بالمكلف، و لكن لا يكون من باب ايلام بدنه. و قولهم: قد عين الشارع كميتها قيد لاخراج التعزيرات فلا بد في الحد من ان تكون العقوبة المذكورة معينة على لسان الشرع القويم. و اما التعزير فهو في اللغة: التأديب، و في الشرع: عقوبة لا تقدير لها شرعاً، و اما امره موكول إلى نظر الحاكم بحسب ما يراه من المصلحة.» (محمدرضا گلپایگانی، *دوالمقصود*، ج ۱، ص ۱۸، «نرم‌افزار معجم فقهی، نسخه سوم»).
- ۷- ر.ک. محمد ابراهیم شمس ناتری، پیشین، ص ۸۴.
- ۸- «لو تكرر من الحر غير المحصن ولو كان امرأة فأقيم عليه الحد ثلاث مرات قتل في الرابعة، و قيل: قتل في الثالثة، بعد إقامة الحد مرتين، و هو غير مرضى.» (امام خمینی، *تحریرالوسیلة*، ج ۲، ص ۴۶۴، مسئله ۶، «نرم‌افزار معجم فقهی، نسخه سوم»).
- ۹- ر.ک. محمدابراهیم شمس ناتری، پیشین، ص ۱۶۱.
- ۱۰- موريس گارسن، «آيا با اعدام موافقيد؟»، ترجمه حسين وفا، WWW.hoghooghddanan.com.
- ۱۱- ر.ک. منوچهر خزائی، پیشین.
- ۱۲- ر.ک. مصطفی دانش‌پژوه و قدرت‌الله خسروشاهی، فلسفه حقوق، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷، بخش چهارم، فصل چهارم.
- ۱۳- ر.ک. محمدحسین طارمی، «نقش بزه‌دیده در فرایند و پیامدهای جرم»، <http://moshaverdostan.blogfa.com>.
- ۱۴- «مجازات اعدام در جهان»، <http://www.abfiran.org/farsi/> document.
- ۱۵- در این زمینه، ر.ک. بکاریا، پیشین، فصل شانزدهم.
- ۱۶- ر.ک. محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۵۹.
- ۱۷- ر.ک. «ترویج جسم در سینما و تلویزیون» در ویلاگ <http://moshaverdostan.blogfa.com>. به نقل از: خبر ساعت ۱۴ شبکه اول و نیز پایگاه فارسیک، WWW.Forsic.com.
- ۱۸- ر.ک. به سایت شبکه خبر. خبر ساعت ۲۱ شبکه اول سیما.
- ۱۹- ر.ک. روزنامه کیهان، بحث حوادث.
- ۲۰- ر.ک. منوچهر خزائی، پیشین.
- ۲۱- سید محمدحسین طباطبائی، *المیزان*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۳۷.
- ۲۲- موريس گارسن، پیشین.
- ۲۳- «مجازات اعدام در جهان».
- ۲۴- موريس گارسن، پیشین.
- ۲۵- ر.ک. منوچهر خزائی، پیشین.
- ۲۶- ر.ک. به پایگاه‌های خبری قوه قضائیه؛ از جمله پایگاه قوانین: WWW.Qavanin.ir.
- ۲۷- ر.ک. سخنرانی ریاست محترم قوه قضائیه در همایش دادستان‌های کشورهای اسلامی در سال ۱۳۸۶ در تهران، شبکه اول سیما.
- ۲۸- ر.ک. منوچهر خزائی، پیشین.
- ۲۹- بحثی درباره اعدام، ترجمه کتاب قانون بدون نظم توسط سیدمحسن مصطفوی، موجود در سایت حقوقدانان (WWW.hoghooghddanan.com) نیز مجله حقوقی وزارت دادگستری، ش ۱۱-۱۲ (خرداد ۱۳۵۳).
- ۳۰- ر.ک. موريس گارسن، پیشین.
- ۳۱- سید محمدحسین طباطبائی، پیشین، ج ۱، ص ۴۳۹.
- ۳۲- «مجازات اعدام در جهان» پیشین.
- ۳۳- ر.ک. موريس گارسن، پیشین.
- ۳۴- به نقل از: بحثی درباره اعدام.
- ۳۵- ر.ک. «بحثی درباره اعدام» پیشین.
- ۳۸- ر.ک. منوچهر خزائی، پیشین / نیز ر.ک. محمدعلی اردبیلی، پیشین، ج ۲، ص ۱۵۹.